فصلنامه مطالعات سیاست بین‌الملل
دوره۲، شماره ٤، شماره پیاپی (٥)، زمستان ١٤٠١، ص ١٨-١

مقاله پژوهشی

توسعه دموکراسی در دیوان اروپایی حقوق بشر

مرتضی رحیمی همدانی[1]، ستار عزیزی[2]، راضیه حسنخانی[3]

چکیده:

در دهه‌ی حاضر کمیته‌هایی چون حقوق بشر، کمیسیون‌های اروپایی، دیوان بین‌الملل دادگستری، سازمان‌های بین‌المللی اروپا و مجمع عمومی سازمان ملل متحد رویه‌ای بی‌سابقه از توجه بین‌المللی به ساختار حکومت‌های داخلی و ایجاد رژیم‌های دموکراتیک به وجود آورده‌اند در بعد وسیع و فراگیر در سطح بین‌المللی این سازمان‌ها یا به صورت اصلی و ذاتی و یا به صورت فرعی و واسطه‌ای متولی حمایت از آزادی‌های اساسی و حقوق بنیادین بشر می‌باشند که یکی از آنها محاکم منطقه‌ای حقوق بشر بوده که در این مقاله نگارنده به مواردی از قبیل آنکه چگونه از رهگذر آراء صادره محاکم منطقه‌ای حقوق بشر می‌تواند به توسعه مفهوم دموکراسی منتهی شود؟ در این آراء مؤلفه‌های دموکراسی به چه صورت تفسیر می‌گردد؟ شرایط و اوضاع و احوال هر قضیه، چگونه در قالب آراء مدنظر قرار می‌گیرد؟ طبق رویه معمول همیشه، موضوعات و قواعد در بستر آراء حقوقی تفسیر و اجمال و ابهامات آنها مرتفع می‌شود، همانطور که رویه نهادهای شبه قضایی بین‌المللی و همچنین ساختارهای قضایی منطقه‌ای در توسعه و استحکام قواعد عرفی مؤثرند. پس لازمه دست یافتن به پاسخ سؤالات مذکور، بررسی آراء صادره مربوطه از محاکم منطقه‌ای حقوق بشر و کشف نحوه تفسیر، تشریح، برخورد و تصمیم‌گیری آنها نسبت به مؤلفه‌های دموکراسی می‌باشد چرا که این محاکم منطقه‌ای، علی‌الخصوص دیوان اروپایی حقوق بشر بیشتر از سایر مناطق دیگر نسبت به حق‌های بنیادین که مدنظر حکومت دموکراتیک هست، پرداخته‌اند. که تأثیر بسزایی در آینده بر توسعه دموکراسی از طریق رویه‌این محاکم ایجاد خواهد نمود.

واژگان کلیدی: دموکراسی، رویه قضایی، حقوق بشر، دیوان اروپایی

[1] – دانشجوی دکتری حقوق بین الملل عمومی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

[2] – استاد حقوق بین الملل، عضو هیات علمی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. (نویسنده مسئول)

s.azizi@basu.ac.ir

[3] – استادیارگروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2026-01-31]

۱- مقدمه

با پایان یافتن برخوردهای ایدئولوژیک و شروع امواج جدید آزادی‌خواهی و دموکراسی خواهی در دهه نود میلادی، در بسیاری از کشورهای جهان، دموکراسی را در فهرست ابعاد جدید حقوق بشر قرار داد و محیط ملی و بین‌المللی مساعدی را برای دنبال کردن آرمان‌ها و اهداف دموکراتیک مردمان فراهم نمود.

از آنجا بود که پدیداری و تحول مفهوم دموکراسی در حقوق بین‌الملل را باید با تحولات جامعه بین‌المللی در نیمه دوم قرن بیستم مرتبط دانست .یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های این عصر که منشاء تحولات و انقلابات گوناگون شده است، توجه به حقوق اساسی بشر بوده است؛ حقوقی که دموکراسی را به عنوان ارمغان بشری به اعضای جامعه بین‌المللی هدیه داده است، متفکران طرفدار دموکراسی ضمن تأکید بر این نکته که مفهوم آزادی به عنوان حق فطری و طبیعی تلقی می‌گردد نفی آن را به معنی نفی بشریت دانسته و مظهر این آزادی را حکومت دموکراتیک یا حکومت مردم توسط مردم دانسته‌اند(امیدی،۱۳۸۵: ۳۵).

بنابراین اندیشمندان سیاسی معتقدند از آنجا که آزادی، از حقوق اساسی بشر امروز به حساب می‌آید لازمه‌اش برخورداری انسان‌ها از حق تعیین سرنوشتشان است؛ حقی که به موجب آن مردم می‌توانند نظام سیاسی خویش را انتخاب نمایند، آن را تغییر داده و یا اصلاحات بنیادین را مطالبه نمایند.[۴]

حال حاضر ما در جهانی به سر می‌بریم که شاهد تغییرات اساسی و مهم است، جهانی که در اثر نظام‌های پیچیده مالی و تحولات انقلابی فن‌آوری اطلاع‌رسانی در حال تبدیل به یک بازار عظیم جهانی است. پدیده جهانی شدن در حال ایجاد الگوهای جدیدی از تعامل بین مردم و دولت‌هاست که نوید شکوفایی فرصت‌های بی‌سابقه‌ای برای پیشرفت جدی در قالب آزادی‌های بیش‌تر می‌دهد و در عین حال خطر پیچیده‌تر شدن بسیاری از چالش‌های موجود در جامعه بین‌الملل را ضمن

٤- این حق به صورت خاص در نیمه دوم قرن بیستم و در دهه ۱۹٦۰ تا ۱۹۷۰ و در ادامه این قرن تاکنون منشای تحولات و انقلابات بزرگ بوده است. بنابراین امروزه حق مردم در تعیین سرنوشت به عنوان حقی که تضمین کننده حقوق اساسی آنان بوده شناخته می شود و به نظر می رسد اصل این حق در بین جوامع مورد انکار قرار نگرفته است؛ اگرچه در مورد حدود و ثغور اجرای آن یا تفسیری که ممکن است از آن به عمل آید برداشت های متفاوتی وجود دارد.

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2026-01-31]

عمیق‌تر کردن مشکلات اقتصادی آنان که از همه آسیب‌پذیرتر هستند به دنبال دارد. در این صحنه خطیر، حقوق بشر که رسماً توسط سازمان ملل متحد به عنوان اولویت اساسی بین‌المللی از طریق اعلامیه جهانی حقوق بشر تعیین گردیده، اهمیت خاصی به عنوان مجموعه‌ای از هنجارها و معیارهای پذیرفته شده جهانی بدست آورده که به طور روزافزونی همه جنبه‌های روابط ما را به عنوان فرد و نیز اعضای تشکیل‌دهنده گروه‌ها در داخل جوامع و بین ملت‌ها شکل می‌دهد. البته باید که حقوق بشر، خواه مربوط به امور مدنی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و یا امور اجتماعی باشد، غیرقابل تجزیه و به یکدیگر وابسته است.

۲- دموکراسی در اسناد منطقه‌ای اروپایی

عبارت دموکراسی به معنای خاص در اسناد منطقه‌ای اروپایی دیده نشده بلکه جلوه‌ها و مؤلفه‌های دموکراسی به عنوان حقوق عالی و بنیادین تمامی انسان‌ها صرفنظر از نژاد، مذهب، زبان، قوم و ... مطرح گردیده و مبانی نظام دموکراسی (اصالت برابری انسانها، اصالت فرد، اصالت حاکمیت قانون، اصالت حاکمیت مردم و تأکید بر حقوق طبیعی، مدنی و سیاسی) به عنوان شیوه حکومتی و زندگی سیاسی مورد حمایت قرار گرفته است.

علاوه بر تلاش‌های بین‌المللی، سازوکارهای حقوقی منطقه‌ای مانند: کنوانسیون اروپایی حقوق بشر که بر مبنای آن دادگاه جدید اروپایی حقوق بشر تشکیل و راسا شکایت علیه دولت‌های عضو در خصوص نقض حقوق و آزادی‌های مندرج در کنوانسیون را مورد رسیدگی قرار می‌دهد این کنوانسیون را می‌توان نخستین سند حقوق بشری دانست که نهادهای قضایی را در جهت نظارت و کنترل قضایی بر حسن اجرای یک قرارداد منطقه‌ای پیش‌بینی کرده است. البته واضح است که ترتیبات متخذه در حقوق داخلی بهترین و مؤثرترین ابزار برای حمایت از حقوق و آزادی‌های افراد است اما نمی‌توان انکار کرد که این ترتیبات همیشه وافی به منظور نبوده و لذا پیش‌بینی دادگاه‌ها و مراجع فراملی (البته در صورتی که ابزارهای سیاسی تبدیل نشود) می‌توانند در تضمین و حمایت از حقوق شهروندان نقش قابل توجهی ایفا کنند.(قادری،۱۳۷۹)

یکی از مؤثرترین و مهم‌ترین اسناد منطقه‌ای که مؤلفه‌های دموکراسی را مورد مداقه قرارداده کنوانسیون اروپایی حقوق حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مصوب نوامبر ۱۹۵۰ معروف به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و پروتکل‌های الحاقی آن است که دارای نقش و جایگاه خاصی در توسعه حقوق بشر و حمایت از آزادی‌های افراد در سطح منطقه اروپا می‌باشد. هدف شورای اروپا ایجاد وحدت بیشتر و تحقق هر چه بیشتر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بوده، در این سند

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2026-01-31]

منطقه‌ای حقوق اساسی و بنیادین بشر مورد شناسایی قرار گرفته که به عنوان نمونه می‌توان به حق حیات (ماده ۲) حق آزادی و امنیت (ماده ۵) حق برخورداری از محاکمه عادلانه (ماده ۶) آزادی نظر، عقیده و مذهب (ماده ۹) آزادی بیان (ماده ۱۰) آزادی تشکیل مجمع و انجمن (ماده ۱۱) ممانعت از تبعیض (ماده ۱۴) و از ماده ۱۹ به بعد جهت کسب اطمینان از نظارت بر تعهدات طرف‌های کنوانسیون و پروتکل‌های مربوطه دیوان اروپایی حقوق بشر به عنوان ناظر بر اجرای کنوانسیون مورد شناسایی قرار گرفته است.

۳- شناسایی اکثریت /انتخابات در آرای دیوان اروپایی حقوق بشر

حق ملت‌ها بر تعیین سرنوشت داخلی، حق مشارکت سیاسی و حقوق وابسته به آن از جمله حقوق و آزادی‌های سیاسی، حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، اصل برابری رفع تبعیض در زمره قواعد معاهداتی و هنجارهای پذیرفته شده بین‌المللی هستند که از اصل مشروعیت دموکراتیک تثبیت گردیده و سپس به مدد ابزارهای معاهداتی تضمین شده‌اند. انتخابات مهم‌ترین ابزار مردم برای انتخاب یک چارچوب سیاسی، حدود مشارکت سیاسی، شکل حکومت و تأثیر گذاردن بر نحوه اداره‌ی کشور است. با توجه به اصل حاکمیت مردم زمانی که اکثریت، خط‌مشی خاصی را انتخاب می‌نمایند می‌بایستی دولت منتخب نیز آن روش کار را با رعایت چارچوب دموکراسی و ضوابط حقوق بشر دنبال کند در غیر این صورت حکومت دیکتاتوری جایگزین حکومت دموکراتیک خواهد شد. چرا که حکومت دموکراتیک مشروعیت خود را از آراء مردم نمی‌گیرد بلکه این مشروعیت حاصل آراء مردم و احترام به حقوق بشر است. حق مشارکت سیاسی شهروندان و شرکت در انتخابات در آراء دیوان اروپایی حقوق بشر مدنظر بوده و مورد شناسایی قرار گرفته است.

در یک پرونده از آنجائیکه دولت بریتانیا از شرکت عده‌ای در انتخابات پارلمان اروپا، مشارکت سیاسی و رأی دادن ایشان جلوگیری نموده بود این گروه خودشان را با توجه به عهدنامه انضمام بریتانیا، شهروند اتحادیه اروپا می‌دانستند و مدعی نقض ماده ۳ پروتکل شماره ۱ توسط دولت بریتانیا بودند و دولت بریتانیا در مقام دفاع اعلام داشت که قادر نبوده مقدمات حقوقی لازم را برای احراز این حق تصدیق کند. دیوان اروپایی حقوق بشر ادعای نقض ماده مذکور را مورد پذیرش قرار داد و پس از صدور رأی دیوان آن گروه، مشمول حوزه انتخابیه انگلستان جنوب غربی شدند.(Matthews,۱۹۹۹)

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2026-01-31]

در پرونده جان هیرست علیه بریتانیا، دولت بریتانیا جان هیرست را که به اتهام قتل در زندان بود با توجه به قانون سال ۱۹۸۳ از شرکت در انتخابات و رأی دادن محروم نموده بود که دیوان اروپایی حقوق بشر دولت بریتانیا را ناقض ماده ۳ از پروتکل نخست کنوانسیون اروپایی حقوق بشر اعلام می‌دارد.(European human rights reports,۲۰۰۶)

در قضیه (Sukran Aydin and others V Turkey) خواهان‌ها؛ نامزدهای انتخابات پارلمان ترکیه بودند که به دلیل استفاده از زبان کردی در مبارزات انتخاباتی خود محکوم شده‌اند دادگاه اظهار داشت که ممنوعیت استفاده از زبان‌های غیر رسمی در مبارزات انتخاباتی در زمان مربوط، به‌وسیله ماده ۵۸ قانون ۲۹۸ بطور مستقیم با حق آزادی بیان در ارتباط است. این پرونده مربوط به استفاده از یک زبان غیر رسمی در ارتباط با مقامات دولتی نیست؛ بلکه در خصوص آزادی زبان در روابط خصوصی افراد است. علاوه بر این‌ها، زبان کردی زبان مادری نامزدها بوده و سر این نکته اذعان دارند که بسیاری از مخاطبان آنان مانند سالمندان و زنان، زبان ترکی را درک نمی‌کنند.[۵]

با بررسی اسناد مهم بین‌المللی متوجه خواهیم شد که از حقوق زبانی سخن به میان نیامده است همانطور که ملاحظه می‌گردد آراء محاکم منطقه‌ای به چه نحوی می‌تواند موجبات توسعه دموکراسی را فراهم نماید.

٤- حقوق اقلیت در آرای دیوان اروپایی حقوق بشر

یک نظام دموکراتیک برای رسیدن به هدف خود بایستی برترین تصمیمات ممکن را برای جامعه اتخاذ نماید و به همه‌ی افراد، نظرات، عقاید، هویت قومی، فرهنگی، زبانی و مذهبی ایشان احترام بگذارد بلکه شرایطی را ایجاد کند تا آنها را دربیان، حفظ و گسترش این هویت قادر سازد و همگی شهروندان اجازه مذاکره و بحث را بپذیرند. به عنوان یک قاعده عام می‌توان گفت که ثبات و امنیت کشور با حفظ حقوق اقلیت‌ها بهتر تأمین گردد.

اگر دولت به رعایت حقوق اقلیت‌ها وفادار باشد در عوض می‌تواند امیدوار باشد که گروه‌های اقلیت نیز وفاداری خود به دولت نشان دهند و تمامیت ارضی کشور حفظ گردد زیرا ثبات و رفاه عمومی کشور به نفع اقلیت‌ها خواهد بود اگر چه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، خاصه به موضوع حقوق اقلیت‌ها نپرداخته ولیکن دیوان در برخی آراء اگرچه محدود تعهد کلیه دول عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در حمایت از حقوق بشر تأکید نموده است.(عزیزی،۱۳۹۴)

۵- case of sukran aydin and others V turkey no٤٩١٩٧/٠٦،٢٠١٣

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2026-01-31]

در پرونده گوتل علیه اتریش، اداره نظام وظیفه اتریش گوتل را که از مروجان فرقه شاهدان یهوه بود به انجام خدمت سربازی اجبار نمود که گوتل خودداری و در پایان، انجام خدمات عمومی جایگزین خدمت نظامی شد. ولی مشارالیه از انجام خدمات عمومی هم سرباز زد و در دادگاه‌های داخلی به لحاظ آنکه دارای موقعیت مذهبی والایی است و از انجام خدمت سربازی معاف می‌باشد دادخواستی مطرح کرد که دعوی وی در محاکم داخلی مورد پذیرش قرار نگرفت. خواهان دادخواست خود را در دیوان اروپایی حقوق بشر مطرح و مدعی نقض ماده ۱۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر گردید چراکه روحانیون سایر جوامع مذهبی از انجام خدمات عمومی معاف می‌باشند و دولت اتریش تبعیض دینی قائل شده است. دیوان معتقد بود که اگرچه عضویت گوتل در جوامع مذهبی که در اتریش به رسمیت شناخته شده، نمی‌باشد ولیکن این دلیلی جهت عدم معافیت خواهان از انجام خدمت سربازی نمی‌تواند باشد و چنین برخوردی که مبتنی بر قوانین داخلی دولت خوانده بوده و محدود به مذاهب رسمی می‌باشد تبعیض‌آمیز بوده و دولت اتریش ماده ۱۴ در خصوص عدم تبعیض دینی را نقض کرده است.(ECHE ,۲۰۰۹:۶-۲۳)

در دعوای کلیسای بسارابیا، دیوان اروپایی حقوق بشر با ادعای کلیسای مذکور مواجه شد که مدعی عدم شناسایی و پذیرش این کلیسا به عنوان یک نهاد مذهبی قانونی از جانب دولت خوانده بود. دیوان در این دعوا معتقد بود دولت زمانی که اختیارات خویش را اعمال نماید نباید در خصوص مذهب‌های مختلف فرق قائل شود و جانبدارانه برخورد نماید. .(ECHE ,۲۰۰۲:۱۱۶)

۵- دادرسی منصفانه در آرای دیوان

اوجالان از مؤسسین حزب کارگران کردستان در سال ۱۹۷۸ بود این حزب پس از برگزاری هشتمین کنگره خود ضمن انحلال حزب کارگران کردستان ترکیه ((کنگره آزادی و دموکراسی)) ترکیه را تأسیس و اوجالان را همچنان به عنوان رهبر معرفی کرد. اوجالان در سال ۱۹۹۹ در یک عملیات هواپیماربایی در نایروبی دستگیر و به ترکیه منتقل می‌گردد و در سال ۲۰۰۲ به اتهام جنگ مسلحانه، قتل هزاران نفر، تجزیه‌طلبی، رهبری و هدایت نیروهای تروریستی به حبس ابد محکوم ابد محکوم می‌گردد. در سال ۲۰۰۳ وکلای اوجالان شکایتی علیه ترکیه مبنی بر نقض موادی از کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مطرح می‌نمایند و نهایتاً دیوان در این پرونده رأی داد که به لحاظ وجود قاضی ارتشی در دادگاه و عدم دسترسی وی به پرونده خود حق بر محاکمه عادلانه اوجالان

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2026-01-31]

در جریان رسیدگی در دادگاه امنیت ملی ترکیه نقض شده است و اجرای مجدد محاکمه را راه مناسب برای جبران نقض صورت گرفته تلقی کرد. (European human rightsreports,۲۰۰۱:۷۰)

در دعوی مطروحه از جانب کرس علیه دولت فرانسه، کرس ادعا داشت جلسه دادرسی که در محاکم داخلی دولت فرانسه داشته دادرسی غیرمنصفانه بوده چراکه مأموران دولتی فرانسه نیز در جلسه دادرسی حضور داشته‌اند که دیوان با پذیرش ادعای خواهان دولت فرانسه را ناقض ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر (دادرسی منصفانه) اعلام می‌دارد.

٦- زندگی خصوصی و خانوادگی در آراء دیوان اروپایی

عنوان ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر «حق بر احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی» این ماده از دو بخش مجزا تشکیل شده است که در بند نخست به تصریح و بیان حق پرداخته شده و در بند دوم آن، موارد دخالت و تحدید این حقوق و به عبارتی میزان دخالت و نحوه دخالت‌های حکومت‌ها بیان شده است. «بر اساس این ماده:

۱-از حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی، خانه و مکاتبات خود برخوردار است.

۲- مقامات دولتی هیچ گونه مداخله در اعمال حق مذکور نخواهند داشت؛ مگر اینکه مطابق با قوانین بوده و مداخله آنها در چارچوب جامعه مردم سالار برای امنیت ملی، سلامت عمومی یا رفاه اقتصادی کشور، پیشگیری از بی‌نظمی یا جرم، حمایت از بهداشت و اخلاق یا برای حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران ضروری باشد».(رحیمی نژاد،۱۳۹۶: ۲۶۴)

در پرونده Guzel Erdagoz v.Turkey[۶]، دادگاه نقض ماده ۸ کنوانسیون را احراز کرد. در این پرونده، خواهان؛ خواستار تغییر املای نام خانوادگی خود بود. به عقیده وی، تلفظ صحیح نام وی «Gozel» بود نه «Guzel». استدلال خواهان این بود که دوستان و اعضای خانواده‌اش او را به این نام می‌خوانند. دادگاه داخلی درخواست وی را به دلیل اینکه تلفظ مورد نظر خواهان در الفبای رسمی ترکیه وجود ندارد، رد کرد. با توجه به ماده ۸ (احترام به زندگی خصوصی) و نیز ماده ۱۴ (ممنوعیت تبعیض)، وی مدعی بود که دلیل رد شکایت، ریشه کردی نام خانوادگی اوست و در واقع او قربانی تبعیض بر اساس زبان و هویت کردی شده است. دادگاه در این مورد تصریح کرد که رد تقاضای این شخص توسط دادگاه‌های احراز ضرورت در ((ترکیه بر اساس هیچ قاعده مشخص و منطقی نیست؛ بنابراین شامل قید نمی‌گردد. نکته دیگر این بود که دادگاه در رأی خود

[۶]-Guzel Erdagoz V Turkey,no (۳۷٤۸۳/۰۲), ۲۰۰۸

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2026-01-31]

نقض ماده ۸ را یک جامعه دموکراتیک)) محرز دانسته و شکایت جداگانه بر اساس ماده ۱۴ را لازم نمی‌داند.[۷]

باید گفت که در چنین دعاوی، امتناع از پذیرش خواهان توسط مقامات حاکمیتی به نادیده انگاشتن منافع مهم شهروندان می‌انجامد. به طور کلی در راستای حمایت از حقوق زبانی، دادگاه از این حق دفاع می‌کند که هر شخص می‌تواند نامی منحصر به فرد داشته باشد. در پرونده مورد نظر، دادگاه داخلی، اعطای حق را مغایر با امنیت ملی می‌داند؛ چرا که منجر به آزادی بیانی می‌گردد که از نظر دادگاه خارج از ضوابط و معیارهای قانونی است.

در ارتباط با حقوق مربوط به نام اشخاص، دادگاه همیشه وجود مبنای قانونی و مشروع را برای دخالت در نظر می‌گیرد. مبانی قانونی دولت برای دخالت باید به قدر کافی شایسته و قابل پیش‌بینی باشد تا بتوان بر اساس آن قانونی یا غیرقانونی بودن یک رفتار را سنجید. این معیار می‌تواند قانون مصوب پارلمان، آیین‌نامه، حتی قوانین نانوشته مانند رویه قضایی یا عرف حقوق بین‌الملل باشد. در خصوص ماده ۸، دادگاه تعهد منفی دولت‌ها را ملاک عمل قرار می‌دهد.[۸]

ماده ۸ معاهده در ارتباط با حق زندانیان برای آزادی مکاتبات به زبان مادری نیز اعمال می‌شود. در پرونده Mehmet nuri Ozen and others v Turkey نیز دادگاه اروپایی معیارهای جالبی برای حمایت از حق بر استفاده از زبان مادری ارائه می‌دهد.

خواهان در این پرونده خواستار صحبت به زبان مادری یعنی زبان کردی با خویشاوندان و نزدیکان خود در ارتباطات تلفنی بود و این در حالی بود که مقامات زندان اجازه استفاده از زبان کردی را به وی ندادند. دادگاه داخلی تقاضای خواهان را رد کرد و معتقد بود که اقدام مقامات زندان در راستای رویه و قانون موجود بوده است. بر اساس نظر دادگاه، قوانین ۵۲۷۵ و نیز قانون شماره ۸۸ اصول جدیدی را در خصوص ممنوعیت استفاده از زبانی غیر از زبان ترکی مقرر می‌کنند. برای اشخاصی که زبان ترکی نمی‌دانند، مقامات زندان باید فرم مخصوصی تهیه کنند و با نظارت مقامات زندان مکالمات انجام شود. در واقع در این مورد، خواهان علی‌رغم تسلط به زبان ترکی، خواستار استفاده از زبان مادری خود در مکالمات تلفنی بود.[۹]

---

۷ - Case of Guzel Erdagoz v Turket,۲۰۰۸: para۱۰

۸- ,۱۰۸ Ravasi,۲۰۱۷

۹- Case of Mehmet nuri Ozen and others v Turkey,۲۰۱٤: par۱۰

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2026-01-31]

دادگاه اروپایی در این مورد، یادآوری می‌کند که حق احترام به زندگی خانوادگی زندانیان حقی اساسی است و مقامات زندان باید در برقراری ارتباط مؤثر ایشان با اعضای خانواده همکاری کنند. از سوی دیگر، دادگاه برخی از ابزارهای نظارتی را برای زندانیان در خصوص برقراری تماس با دنیای بیرون در نظر می‌گیرد که همسو با اهداف کنوانسیون است. در خصوص شرط مطابقت با قانون در دخالت مقامات دولتی، این معیار را ارائه می‌دهد که دخالت مستلزم آن است که مجوز قانونی از منظر حقوق داخلی موجود باشد. قانون باید برای مخاطب در دسترس و قابل پیش‌بینی باشد. در این مورد دادگاه اروپایی این مسأله را احراز کرد که مداخله مقامات دولتی بر اساس مقرره شماره ۸۸ است که بر اساس مکالمات تلفنی باید به زبان ترکی باشد؛ مگر در شرایط خاص. خواهان در این مورد مدعی بود که اقدامات مقامات زندان به هیچ وجه از الزامات یک جامعه دموکراتیک نیست؛ همچنین عنصر ضرورت در آن وجود ندارد. در واقع ممنوعیت ارتباط با زبان اقلیت، با معیارهای یک دموکراسی واقعی سازگار نبود؛ چون احترام به فرهنگ، اخلاق و مذهب و نیز به رسمیت شناختن کثر تگرایی یکی از اهداف اصلی دموکراسی‌های معاصر است. خواهان مدعی است که متعلق به یک اقلیت قومی است که توسط دولت پاسخگو به رسمیت شناخته نشدند اما در فضای حقوق بین‌الملل، وجود اقلیت‌ها بستگی به این شناسایی ندارد؛ بنابراین حداقل تعهد دولت در قبال آنها، عدم ایجاد مانع برای دسترسی به زبان، فرهنگ و هویت است. استدلال دیگر خواهان، قوانین مربوط به زندانیان بود که توسط شورای اروپا به تصویب رسیده است. قانون شماره ۳۸ برای زندانیان متعلق به اقلیت‌های قومی و زبانی ترتیبات ویژه‌ای در نظر گرفته است.

و بر اساس آن، نیازهای زبانی با استفاده از مترجمان صالح برآورده می‌گردد. در آخر، خواهان معتقد بود که از مفاد توصیه‌نامه اسلو، روشن است و نیز با توجه به ماده ۵۱ مقررات استاندارد سازمان ملل متحد برای رفتار با زندانیان، دولت باید اقدامات لازم را برای برآورده ساختن نیازهای آنان فراهم کند. اما دادگاه در ارزیابی اولیه خود معتقد است حق زندانی برای برقراری ارتباط شفاهی و کلامی از طریق تلفن و به زبان مادری نه تنها جنبه ویژه‌ای از احترام به مکاتبات است اما بالاتر از آن جنبه‌ای از حق احترام به زندگی خانوادگی است که بر اساس بند ۱ ماده ۸ کنوانسیون مورد حمایت قرار گرفته است. دادگاه در پرونده‌های دیگری نیز این نکته را متذکر شده که اگرچه آزادی زبان از حقوق مندرج در کنوانسیون نیست اما حقوق مندرج در بند دو ماده ۵ (حق یک شخص برای آگاهی از دلایل دستگیری و اتهامات به زبانی که متوجه می‌شود) و نیز بند ۳ ماده ۶

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2026-01-31]

(حق شخص برای داشتن مترجم در صورتی که قادر به استفاده از زبان رسمی دادگاه نباشد.) مؤید حمایت از حقوق زبانی است[۱۰]

دادگاه بر این موضوع تأکید می‌کند که محمل اصلی حق موجود در این پرونده، حق بر ارتباط معنادار با اعضای خانواده برای خواهانهاست؛ همچنین حق استفاده از زبان مادری در مکالمات نیز مطرح است. دادگاه توجه مقامات ملی را به اهمیت توصیه‌نامه مرتبط با حقوق زندانیان مصوب ۲۰۰۶ معطوف می‌دارد؛ هر چند کشورها به آن ملحق نشده باشند.[۱۱]

در دعوایی که توسط دو زوج علیه دولت اتریش مطرح شد. این زوج به صورت طبیعی قادر به بچه‌دار شدن نبودند و قصد انجام لقاح مصنوعی را داشتند که دولت اتریش با توجه به اینکه لقاح مصنوعی به موجب قوانین داخلی آن کشور به هر نحو ممنوع است با این موضوع مخالفت نمود. دیوان اروپایی حقوق بشر قوانین داخلی اتریش را مغایر تعهدات آن دولت مندرج در مواد ۸(حق بر زندگی خصوصی و خانوادگی) و ۱۴(ممنوعیت تبعیض) کنوانسیون اروپایی حقوق اعلام نمود.,[۱۲]

۷- آزادی بیان، اندیشه و مذهب در آراء دیوان

در بیشتر اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر تعاریف همسانی از حق آزادی بیان و عقیده ارائه گردیده و این حق را می‌توان مقدمه‌ی سایر حقوق بشر از مهم‌ترین حقوق اساسی افراد در جوامع و سنگ بنای اصل دموکراسی و حقوق بشر تلقی نمود. کنوانسیون اروپایی در مواد ۹ و ۱۰ حمایت از این آزادی‌ها را مطمح نظر قرار داده است لیکن نحوه رسیدگی و صدور رأی پیرامون پرونده‌های مطروحه در دیوان اروپایی حقوق بشر در این موارد حساسیت در حمایت از این آزادی‌ها را نمایان می‌نماید.

قضیه کاستلز علیه اسپانیا، کاستلز به عنوان هواداران استقلال باسک در سال ۱۹۷۹ مقاله‌ای تحت عنوان ((مصونیت وقاحت‌آمیز)) به قلم تحریر درآورد که این مقاله ارتباط بین قتل‌های سیاسی در ایالت باسک با جناح راست دولت اسپانیا می‌پرداخت پس از نگارش این مقاله به اتهام تحریک مردم به خشونت و توهین به دولت در دادگاه‌های داخلی اسپانیا محکوم شد. این موضوع توسط

---

۱۰ -. Case of Mehmet Sirin Bozecah and MesutYursever, ۲۰۱٤, para٦

۱۱- European court of human right, second section, case of Nusret kaya and others v Turkey, ۲۰۱٤, p۲۲

۱۲. s.h and otners V.austria,European human rights reports,۲۰۱۱,para.٦۹)

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2026-01-31]

میگوئل کاستلز طی دادخواستی در دیوان اروپایی حقوق بشر تحت عنوان نقض آزادی بیان مطرح گردید دولت اسپانیا در توجیه عملکرد خویش به نظم عمومی استناد نمود. دیوان اروپایی حقوق بشر اعتقاد داشت که لازمه یک جامعه دموکراتیک آزادی بیان و گفتگو در مورد مسائلی است که کاملاً مرتبط با افکار عمومی ایالت باسک و قتل‌های متعددی بود که واقع شده بود. همچنین معتقد بود که در این جامعه دموکراتیک فعل یا ترک فعل دولت علاوه بر مقامات تقنینی و قضایی به‌وسیله مطبوعات و افکار عمومی به طور دقیق کنترل و تحت نظر است. و استناد دولت اسپانیا به نظم عمومی در این پرونده با مقتضیات یک جامعه دموکراتیک انطباق ندارد و النهایه دیوان، دولت اسپانیا را به نقض آزادی بیان محکوم می‌نماید.[۱۳]

در قضیه ((حاجیاناستازیا علیه یونان))[۱۴] یک افسر شاغل در نیروی هوایی به دلیل انتقال اطلاعات مربوط به برنامه‌های موشک‌های هدایت شونده به یک شرکت خصوصی توسط دادگاه‌های داخلی یونان محکوم شده بود، دادگاه اروپایی حقوق بشر صراحتاً بیان داشت، که آزادی بیان و اطلاعات شامل اطلاعات نظامی نیز می‌شود ولیکن انتقال این اطلاعات کشورهای دیگر را از میزان پیشرفت یونان در صنایع موشکی مطلع ساخته فلذا دولت یونان به خاطر نقض آزادی بیان و اطلاعات محکوم نگردید، نه به خاطر این موضوع که اطلاعات نظامی بوده بلکه به این علت که سایر کشورها از میزان پیشرفت موشکی یونان آگاهی پیدا کرده‌اند.

در قضیه یاسکارینی، افرادی که به عنوان نماینده پارلمان سن مارینو در انتخابات پیروز شده بودند می‌بایستی در مراسم اداء سوگند، به انجیل سوگند یاد می‌نمودند. در غیر این صورت به عنوان نماینده حق ورود به پارلمان را نداشتند. خواهان دادخواستی به دیوان اروپایی حقوق بشر تقدیم و این امر را مغایر آزادی مذهب اعلام نمودند. دیوان پس از بررسی‌هایی که به عمل آورد نهایتاً بیان داشت که منوط نمودن کسب یک مقام دولتی بر اینکه نماینده منتخب برخلاف اعتقادات خویش، باور خود را به یک مذهب خاص بیان دارد با مقتضیات یک جامعه دموکراتیک همخوانی نداشته و منطبق نمی‌باشد فلذا دیوان نقض آزادی مذهب (ماده ۹ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر) توسط دولت خوانده را محرز دانست.[۱۵]

---

۱۳ – آزادی بیان و محدودیت های آن در دادگاه اروپایی حقوق بشر، مجله رسانه، سال دهم، شماره دوم، صفحه ۳۳، مهرداد مولایی، با کمی تغییرات

۱٤ Eur.court H.R, Hadjianastassiou V.Greece, judgment of ۱٦ December

۱٥.- ECHR,case of buscarini and others V.san marino.۱۹۹۹,para.٦٥

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2026-01-31]

۸- آزادی تجمعات در آراء دیوان

یکی از آزادی‌های نسل اول حقوق بشر، آزادی اجتماعات که افرادی برای اعلام مواضع خویش و دفاع و یا بیان اعتراضات و مطالبات خویش در مکان‌هایی تعیین شده است گرد هم می‌آیند تا به گوش حاکمان برسانند که این حق در بند ۱ ماده ۱۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر گنجانده شده است.

در دعوایی که در سال ۲۰۰۴ علیه دولت بلغارستان در دیوان اروپایی حقوق بشر اقامه شد خواهان‌ها مدعی بودند که دولت خوانده یکی از مدعیان ریاست شورای عالی جامعه مسلمانان را حذف نموده و از این طریق به حریف دیگر کمک رسانده است. دیوان معتقد بود که در یک جامعه دموکراتیک دولت وظیفه‌ای جهت حفاظت از یکپارچگی اجتماعات مذهبی ندارد و در زمان بروز اختلاف صرفاً بایستی این اطمینان را ایجاد کند که اجتماعاتی که در مقابل یکدیگر هستند با یکدیگر مسامحه داشته باشند نه اینکه به نفع یکی از رقباء صورت مسئله را حذف نماید. همچنین دیوان استدلال دولت خوانده مبنی بر برقراری نظم عمومی را نپذیرفت.[۱۶]

در دعوای مطروحه شریف علیه یونان در دیوان اروپایی حقوق بشر، دیوان معتقد بود که مجازات کردن یک روحانی مسلمان که عده‌ای از مسلمانان آن کشور به طور ارادی از او تبعیت می‌نماید به دلیل آنکه توسط دولت یونان به این سمت منصوب نشده است مخالف با مقتضیات یک جامعه دموکراتیک می‌باشد.[۱۷]

۹- نوآوری‌های دیوان نسبت به کنوانسیون اروپایی

دیوان اروپایی حقوق بشر در دعاوی مختلف و مواجه شدن با مؤلفه‌ها و جلوه‌های دموکراسی با قرائتی متفاوت تفاسیر و برداشت هایی متمایز با توجه و لحاظ اوضاع و احوال موجود در هر پرونده ارائه نموده تا خلاءهای موجود در کنوانسیون را رفع نماید. رفع خلاءهای موجود در کنوانسیون بدان معنا نیست که دیوان اقدام به قانونگذاری قواعد جدید نموده بلکه دیوان درصدد تبیین و توسعه معیارها و استانداردهای حقوق در کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و پیشرفت تدریجی سازکارهای منطقه‌ای برآمده است.

۱۶- ECHR,case of superme holy council of the muslim community VBulgaria,۲۰۰٤,para.۹٦

۱۷- ECHR,case of serif V Greece ۲۰۰۱,para.۵۱

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2026-01-31]

به عنوان نمونه از نوآوری‌های دیوان نسبت به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر می‌توان به تفسیر دیوان از آزادی بیان در پرونده شکایت صلاح‌الدین دمیرتاش علیه ترکیه در دیوان اشاره نمود، که تصمیم مکرر مراجع قضایی برای بازداشت متهم که در خلال دو انتخابات مهم اخیر ترکیه بوده است را باهدف نابودی کثرت‌گرایی و محدود کردن گفتگوی سیاسی تلقی و انتخابات آزاد و آزادی بیان بویژه آزادی در مباحث سیاسی را سنگ بستر هر نظام دموکراتیک دانسته است.[۱۸]

در پرونده دیگر یک زن مسیحی به نام نادیا اویدا به دلیل مخالفت با درخواست کارفرما برای برداشتن گردنبند دارای علامت صلیب از شغل خود در شرکت هواپیمایی بریتیش ایرویز معلق (مرخصی بدون حقوق) می‌گردد شکایت در چارچوب ماده ۹ کنوانسیون (آزادی مذهب) نزد دادگاه حقوق بشر اروپا علیه دولت انگلستان مطرح می‌شود، که نهایتاً این دادگاه بیان می‌دارد که تمایل خانم اویدا برای ابراز عقاید مذهبی است که یکی از حقوق اساسی است و یک جامعه دموکراتیک، پایدار و سالم می‌بایستی تحمل کثرت‌گرایی و تنوع داشته باشد و از سوی دیگر صلیب خانم نادیا نمی‌تواند ظاهر حرفه‌ای وی را مخدوش نماید و در پایان دولت انگلیس به لحاظ نقض ماده ۹ کنوانسیون محکوم به پرداخت غرامت می‌گردد.

با بررسی اسناد مهم بین‌المللی و منطقه‌ای متوجه خواهیم شد که از حقوق زبانی سخنی به میان نیامده است ولیکن در قضیه (sukran aydin and others vTurkey) خواهان‌ها که نامزدی انتخابات پارلمان ترکیه بودند به دلیل استفاده از زبان کردی در مبارزات انتخاباتی محکوم گردند (به لحاظ ممنوعیت استفاده از زبان‌های غیر رسمی در مبارزات انتخاباتی) دیوان معتقد است که این ممنوعیت بطور مستقیم با آزادی بیان در ارتباط است و این پرونده را مربوط به استفاده از یک زبان غیر رسمی در ارتباط با مقامات دولتی نمی‌داند، بلکه در خصوص آزادی بیان در روابط خصوصی افراد و علاوه بر آن بر این نکته اذعان دارد که زبان کردی زبان مادری نامزدها بوده و بسیاری از مخاطبان آنان مانند سالمندان و زنان، زبان ترکی را درک نمی‌کنند. بدین نحو دیوان علیرغم عدم وجود مقرره قانونی در کنوانسیون مبنی بر حمایت از حقوق زبانی بدین شرح از این حق به طور غیرمستقیم در قالب آزادی بیان حمایت می‌نماید.[۱۹]

در پرونده‌ای دیگر پیرامون نقض حقوق مذهبی، زن مسلمانی که به عقد یکی از اتباع فرانسه درآمده بود برای اخذ ویزا به کنسولگری فرانسه در مراکش مراجعه می‌نماید مأموران کنسولگری

---

[۱۸] رک جهت مطالعه بیشتر، خلاصه رای دیوان اروپا حقوق بشر، عزیزی، ستار، در سایت خبری فراتاب

[۱۹]– Case of sukran aydin and others v turkey on ٤٩١٩٧/٠٦،٢٠١٣

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2026-01-31]

از وی می‌خواهند تا روبند خود را جهت احراز هویت بردارد که آن زن خودداری و در نهایت برای ایشان ویزا صادر نمی‌گردد. شکایت به لحاظ نقض حقوق مذهبی در دیوان مطرح می‌گردد در این قضیه دیوان ضمن رد دعوی خواهان عملکرد کنسولگری را واجد هدف مشروع اعلام می‌دارد چرا که احراز هویت اشخاصی که متقاضی اخذ ویزا هستند جزء اقدامات امنیتی است.[۲۰]

همانطور که ملاحظه می‌شود در این پرونده دیوان اعمال محدودیت بر آزادی مذهب چنانچه دارای هدف مشروع از سوی دولت‌ها باشد را توجیه و آنرا ناقض آزادی مذهب نمی‌داند.

در دعوای هنری ساید یک کتاب درسی برای نوجوانان نگاشته شده بود که محتوای مبتذل و مستهجن آن مقامات انگلیس را بر آن داشت تا کتاب یاد شده را توقیف و جمع‌آوری نمایند. ناشر کتاب به استناد ماده ۱۰ کنوانسیون در دیوان اروپایی اقامه دعوی نمود و عمل دولت انگلستان را ناقض آزادی بیان دانست.[۲۱_۲۲]

در این پرونده دیوان به حاشیه صلاحیت دولت‌ها در خصوص اتخاذ اقداماتی که برای حفظ اخلاق عمومی در یک جامعه‌ی دموکراتیک ضروری است اشاره و اقدام دولت انگلیس در جمع‌آوری کتاب مورد بحث در حاشیه‌ی صلاحدید آن کشور دانست و نقض ماده ۱۰ کنوانسیون در خصوص آزادی بیان را احراز نکرد.

دیوان در پرونده‌های متعدد با استدلال‌ها و تفاسیر مختلف از حقوق مندرج در کنوانسیون با نوآوری‌هایی که خلق نمود در توسعه و پیشرفت مفهوم دموکراسی مشارکت ویژه‌ای داشته است که در این مقال به تعدادی از این آراء اشاره گردید.

۱۰- نتیجه‌گیری

دیوان اروپایی حقوق بشر به عنوان ناظر بر تفسیر و اجرای صحیح کنوانسیون اروپایی حقوق بشر برای ایجاد سازگاری و توازن میان دو مبحث (حقوق فردی و منافع جمعی) که همواره محل بحث و مناقشه بوده است و اولویت یکی بر دیگری محل تردید می‌باشد، معنای حاشیه صلاحدید را مورد توجه قرار داده که نه در متن کنوانسیون دیده می‌شود و نه در مذاکرات زمان تدوین به آن اشاره شده است. معیار و شمول حاشیه صلاحدید دولت‌ها از مبحثی به مبحث دیگر کاملاً متفاوت

---

[۲۰]– Ec HR,case of Elmorasli v. faence.,۲۰۰۸,para.٤٦

[۲۱]– vyotaka,۲۰۰۰

[۲۲] –ر، ک : نقل از مقاله پژوهشی حاشیه صلاحدید دولتها در آزادی دین در پرتو رویه دیوان اروپایی حقوق بشر، سید قاسم زمانی، فصلنامه پژوهش عمومی در دانشگاه علامه طباطبایی

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2026-01-31]

است و بسته به شرایط اوضاع و احوال هر دعوا موسع یا محدود می‌شود. رویه دیوان گویای آن است که حاشیه صلاحدید براین اصل اساسی مبتنی است که رعایت حقوق بشر در وهله اول بر عهده دولت‌هاست و محاکم منطقه‌ای در این زمینه ثانویه و تکمیلی دارند. ولیکن اقدامات و تصمیمات دولت‌ها در قالب صلاحدید تحت نظارت دیوان قرار داشته که آیا در تصمیمات اخذ شده توسط دولت جهت حفظ نظم عمومی، اخلاق عمومی، پیشگیری از وقوع جرم، امنیت شخصی و حریم خصوصی از رفتارهای تبعیض‌آمیز اجتناب شده است یا خیر؟

نیازهای ضروری یک جامعه دموکراتیک را مدنظر قرار داده است یا خیر؟ و از سوی دیگر آن دولت در تصمیمات خویش دارای اهداف مشروع بوده؟ محدودیت‌های غیرمعمول برای شهروندان ایجاد نکرده است؟ کرامت انسانی و دادرسی منصفانه ... رعایت شده است؟ بنابراین دیوان اروپایی حقوق بشر تلاش داشته است تا با تعیین معیار و استانداردها میزان گستره‌ی دخالت دولت‌ها در توسعه‌ی دموکراسی را انتظام بخشد و به این ترتیب توازن و تعادل منطقی میان حقوق و آزادی‌های فردی افراد از یک سو و رعایت مصالح جامعه و منافع عمومی از سوی دیگر را برقرار نماید.

همچنین دیوان سعی بر آن دارد با در نظر گرفتن سازکار، هنجار و اقتضائات متغیر جوامع اروپایی در مواردی تحلیل‌هایی منطبق با احتیاجات حقوق بشری آن جامعه با ملاحظه حقوق مورد پذیرش در کنوانسیون از این سند اروپایی داشته باشد و هماهنگی لازم بین مفاد کنوانسیون و نیازهای جامعه را ایجاد نموده و در راستای تبیین و شناسایی قواعد حقوقی پنهان در کنوانسیون به عنوان عوامل تحکیم کننده، توسعه و تداوم‌بخش دموکراسی گام بردارد و دموکراسی را از رهگذر آراء خویش به کشورهای عضو به صورت خاص و جامعه بین‌المللی به صورت عام تحمیل نماید.

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2026-01-31]

منابع و مآخذ:

آلبرو، مارتین عصر جهانی، **جامعه‌شناسی پدیده جهانی شدن**، ترجمه نادر سازاده امیری، ۱۳۸۱

امیدی، علی، **قبض و بسط مفهومی حق تعیین سرنوشت در حقوق بین‌الملل**، مجله حقوقی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری شماره ۲۲۸- ۱۳۸۵، صفحه ۲۲۷،۳۵

پولادی، کمال، **از دولت اقتدار تا دولت عقل**، ۱۳۸۰

رحیمی نژاد، اسماعیل، رویکردهای مختلف در مورد کرامت انسانی، (۱۳۹۶) **مجموعه آثار همایش بین‌المللی امام خمینی و قلمروی دین (۱)**، کرامت انسان در ادیان و مکاتب، جلد ۶. صفحه،۲۶۴،۱۳۹۶

زرنشان، شهرام، **شکل‌گیری و شناسایی حقوق بین‌الملل عرفی**،۱۳۹۲

عزیزی،۱۳۹۴ ستار، **حمایت از حقوق اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل**

قاری سید فاطمی، سید محمد، حق حیات، **مجله تحقیقات حقوقی**، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۲-۳۱، پاییز و زمستان ۱۳۷۹

قربان نیا، ناصر، **حقوق بشر و بشردوستانه**، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه،۱۳۷۸

کدیور، محسن، آزادی عقیده و مذهب در اسلام و اسناد حقوق بشر، **مجموعه مقالات همایش بین‌المللی حقوق بشر و گفتگوی تمدن‌ها**، اردیبهشت ۱۳۸۰، مرکز مطالعات حقوق بشر دانشگاه مفید، چاپ اول، ۱۳۸۰.

نوبهار، رحیم، دین و کرامت انسانی، مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی حقوق بشر، مبانی نظری حقوق بشر، ۱۳۸۲.

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2026-01-31]

ب- منابع انگلیسی

- Adefdromil v. France, no. ۳۲۱۹۱/۰۹, ۲ October ۲۰۱۴

Agit Demir v. Turkey, no. ۳۶۴۷۵/۱۰, ۲۷ February ۲۰۱۸–

- Ahmed and Others v. the United Kingdom, ۲ September ۱۹۹۸, ***Reports of Judgments and Decisions***

- Ahmed and Others v. the United Kingdom, ۲ September ۱۹۹۸, ***Reports of Judgments and Decisions*** ۱۹۹۸-VI

-Akarsubaşı and Alçiçek v. Turkey, no. ۱۹۶۲۰/۱۲, ۲۳ January ۲۰۱۸

Barabanov v. Russia, nos. ۴۹۶۶/۱۳ and ۵۵۵۰/۱۵, ۳۰ January–

Bollan v. the United Kingdom (dec.), no. ۴۲۱۱۷/۹۸, ECHR ۲۰۰۰-V–

Bota v. Romania (dec.), no. ۲۴۰۵۷/۰۳, ۱۲ October ۲۰۰۴–

Bozgan v. Romania, no. ۳۵۰۹۷/۰۲, ۱۱ October ۲۰۰۷–

-Budaházy v. Hungary, no. ۴۱۴۷۹/۱۰, ۱۵ December ۲۰۱۵ ***Bukta and Others v. Hungary***, no. ۲۵۶۹۱/۰۴, ECHR ۲۰۰۷ III–

- Matthews V.uk,***European human rights reports***,۱۹۹۹

the united kingdom,European human rights reports,۲۰۰۶,para.۸۱–

case of sukran aydin and others V turkey no۴۹۱۹۷/۰۶،۲۰۱۳–

۲۳– ECHE,case of gutl V.austria,۲۰۰۹,paras.۶–

- ECHR,***case of metropolitan chureh of Bessarabia and others V.moldova***,۲۰۰۲,para.۱۱۶–

۱–-case of Ocalan v.turkey(no.۲)para

kress V.france,European human rightsreports,۲۰۰۱,para.۷۰–

Guzel Erdagoz V Turkey,no (۳۷۴۸۳/۰۲), ۲۰۰۸–,

Case of Guzel Erdagoz v Turket,۲۰۰۸: para۱۰–

۱۰۸ Ravasi,۲۰۱۷–

Case of Mehmet nuri Ozen and others v Turkey,۲۰۱۴: par۱۰–

Case of Mehmet Sirin Bozecah and MesutYursever, ۲۰۱۴, para۶–

- European court of human right, second section, ***case of Nusret kaya and others v Turkey***, ۲۰۱۴, p۲۲

s.h and otners V.austria,European human rights reports,۲۰۱۱,para.۶۹)–

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2026-01-31]

Eur.court H.R, Hadjianastassiou V.Greece, judgment of ۱۶ December–

- ECHR,case of buscarini and others V.san marino.۱۹۹۹,para.۶۵

-ECHR,case of superme holy council of the muslim community VBulgaria,۲۰۰۴,para.۹۶

ECHR,case of serif V Greece ۲۰۰۱,para.۵۱–

Case of sukran aydin and others v turkey on ۴۹۱۹۷/۰۶،۲۰۱۳–

Ec HR,case of Elmorasli v. faence.,۲۰۰۸,para.۴۶–

-۷yotaka,۲۰۰۰

- Roth, B. R., (a), ***Governmental Illegitimacy in International Law***, Oxford: Oxford University Press, ۲۰۰۰.

- Tek Gıda İş Sendikası v. Turkey, no. ۳۵۰۰۹/۰۵, ۴ April ۲۰۱۷

- Zulkuf Murat Kahraman v. Turkey*, no. ۶۵۸۰۸/۱۰, ۱۶ July ۲۰۱۹

[Downloaded from ipsj.iauh.ac.ir on 2026-01-31]